

معیار مصرف الگویی در مُدل اسلامی

محمود قیومزاده *

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۸/۲۰

تاریخ تأیید مقاله: ۸۸/۱۰/۱۶

چکیده:

مقاله حاضر به بررسی معیارهای مصرف الگویی، اهمیت و لزوم آن با توجه به مُدل ارائه شده از سوی اسلام پرداخته و با توجه به آیات قرآنی و روایات معصومین و سیره پیشوایان به تبیینی درست از الگوی مصرف و معیارهای مصرف صحیح از دیدگاه دین همت گمارده است. اولویت‌بندی در مصرف کالاهای اساسی و دقت در هدر ندادن عمر و اهمیت مدیریت زمان، چگونگی مصرف بر اساس معیار دینی به گونه‌ای که از افراط و تفریط خارج بوده و اصل اعتدال در آن رعایت شده باشد، بیان چیستی و معیارهای اسراف، اثرات و مضرات آن در قرآن و روایات و سیره معصومین و پرداختن به راه‌های دور نگه داشتن جامعه از اسراف و تبذیر و راهکارهای ارائه شده بر اساس مدل اقتصاد دینی از مباحثی است که مقاله حاضر به آن پرداخته و به سؤالات مهمی در این زمینه پاسخ داده است.

واژگان کلیدی: اسلام، قرآن، الگوی مصرف، مصرف‌گرایی، اعتدال، اسراف و مُدل اسلامی.

لزوم برقراری فرهنگ الگوی مصرف در جامعه

همان گونه که اشاره رفت، الگوی مصرف نیاز به زیر ساخت فکری و زمینه سازی فرهنگی دارد. ابتدا باید افراد به این باور برسند که مصرف نمودن و زندگی کردن بر اساس الگوی مطلوب و حساب شده یک ارزش است نه عقب افتادگی. ریخت و پاش و اسراف و تبذیر در هر بعدی از ابعاد وجود و زندگی انسان یک ضد ارزش فرهنگی، غیر اخلاقی و خلاف تعالیم دینی است. آموزه های اسلام چه در بخش اقتصاد و چه در عرصه اخلاق، به این موضوع توجه ویژه ای کرده است و اصول و معیارها و محدودیت هایی را برای مصرف، مشخص کرده که مبتنی بر جهان بینی توحیدی و در راستای نیل به هدف نهایی انسان و تکامل وی سامان یافته است (که در بخش مربوطه خواهد آمد). تبیین این اصول و توصیه ها، این فرهنگ را در جامعه نهادینه می کند که جامعه به افرادی که توجه به الگوی مصرف و معیارهای صحیح آن دارند به دیده احترام بنگرد و زمینه ساز فراهم شدن محیطی برای تشویق همگان در این جهت باشد (ماهنامه مهندسی فرهنگی: ۹۵).

نقش آموزش های مستقیم در شکل گیری الگوی صحیح مصرف

ابتدا در این جهت باید نهادهای آموزشی، اصول و معیارهای لازم را تدوین و نسبت به آموزش آنها به افراد اقدام نمایند. لازم است در این جهت هم از آموزه های دینی - که بسیار غنی و پرمایه هستند - کمک گرفته شود و هم به اصول علمی در مدیریت دخل و خرج و الگوی مصرف توجه، آنها را تبیین و در دروس آموزشی از ابتدا تا انتها گنجانده شود. اگر چنین مهمی عملی نشود، تبلیغات وسیعی که از ناحیه سرمایه داران در مصرف بی رویه کالاها و تاراج کردن ذخایر و بر باد دادن عمر می شود کار را به جایی می رساند که چنانچه کسی بخواهد در تنظیم عمر خود و مصرف صحیح برنامه ریزی کند به دیده تحقیر نگریسته شده و عقب افتاده قلمداد می شود (همان: ۹۴).

آموزش های غیرمستقیم و الگوی صحیح مصرف

البته باید به این نکته مهم توجه داشت که شکل گیری یک پارادایم فکری و بستر سازی فرهنگی در جامعه بیش از آنکه تحت تأثیر آموزش های مستقیم قرار گیرد، متأثر از آموزش های

انسان به لحاظ ویژگی خاص خود و برتری نسبت به سایر موجودات، تقدیرگر و حساب کننده بوده و با هدف و انگیزه دست به کاری می زند و تلاشی را پی می ریزد. در وجود انسان، تنظیم گری محترم و عامل موفقیت شمرده می شود (ر.ک: نهج البلاغه، نامه امام علی^(ع) به امام مجتبی^(ع)). این تنظیم گری در همه ابعاد وجود او قابل مشاهده و سرایت است؛ یکی از این ابعاد، مصرف و استفاده از مواهب الهی و منابع خدادادی است. مصرف در نگاه دینی زمینه ای است برای دست یابی به کمال و قرب الهی و در چرخه اقتصادی، پایان خط تولید و عرضه است. با توجه به اینکه مصرف باید در خدمت انسان و مسیری برای رشد و تعالی معنوی او باشد (نک: شیخ صدوق، ثواب الاعمال: ۳۱)، چگونگی مصرف، بسیار تأثیر گذار است. لذا، در جامعه ای که مصرف مطابق با الگوهای پذیرفته شده نیست، منابع و ذخایر آن جامعه سریع تر به پایان رسیده و هدف و انگیزه ای در مصرف مشاهده نمی شود؛ لذا بایسته است با به کار بردن امکانات و محصولات، مطابق با نیازهای واقعی جامعه و اصلاح روند تولید و عرضه و تغییر نوع مصرف، بازنگری در زمان و مکان آن و افزایش یا کاهش میزان مصرف، زمینه بهینه نمودن آن فراهم گردد.

البته باید توجه داشت که مراد از الگوی مصرف و اصلاح آن کم نمودن مصرف نیست، گرچه در بسیاری از موارد خود اصلاح الگوی مصرف و بهینه نمودن آن به پایین آمدن هزینه ها و کم شدن مصرف خواهد انجامید، ولی مراد واقعی از اصلاح الگوی مصرف تغییر نوع مصرف است؛ شبیه چند منظوره نمودن فضاها در ساختمان سازی جهت استفاده های گوناگون. همچنین گاهی اصلاح مصرف، به معنای تغییر زمان و مکان آن است؛ حتی اصلاح الگوی مصرف را باید در تدوین چشم اندازهای بلند مدت و میان مدت و تدوین نقشه ها و مهندسی اجرایی زندگی پی گیری نمود. پر واضح است که چنین امر مهمی نیاز به زیر ساخت های فکری و فرهنگی دارد و ابتدا باید در این جهت تلاش و کوشش نمود و این امر وظیفه صاحبان خرد و اندیشه و تفکر است تا با تحقیق در این راستا و نگاه کاربردی به مسأله، زمینه این امر را فراهم آورند.

غیر مستقیم است. افراد در محیط خانواده، مدرسه، اجتماع و ... تحت تأثیر رفتارها، حرکات و آموزش‌هایی قرار می‌گیرند که خود توجهی به آن نداشته و قهری صورت می‌پذیرد. باید به این نکته هم توجه داشت و رفتارهای فردی و جمعی را به گونه‌ای انجام و سمت و سو داد تا پیامد آن یاد دهی الگوی صحیح مصرف باشد نه مصرف زدگی، بی توجهی به سرمایه‌ها و ذخایر مادی و معنوی، فراموش نمودن هدف و انگیزه واقعی زندگی، رفاه زدگی و اسراف و تبذیر در زندگی.

همایش‌هایی برگزار گردد؛ لکن نباید غفلت کرد که باید این تلاش‌ها به گونه‌ای باشد تا نتیجه معکوس به دنبال نداشته باشد. اولاً بر اساس اصول و ضوابط علمی، تجربی، اخلاقی و دینی تبیین گردد و ثانیاً به جنبه‌های روانی و پیامدهای غیر مستقیمی که در آموزش افراد دارد، توجه گردد. مسلماً برگزاری همایش‌ها با تشریفات آنچنانی و مصرف گرایی‌های بالا علاوه بر اینکه در ارائه الگوی صحیح مصرف نقشی ندارد بلکه ناخود آگاه به ارائه الگوی غیر صحیحی در این جهت کمک خواهد کرد.

نقش رسانه‌های جمعی و صدا و سیما در این خصوص

رسانه‌های جمعی و در رأس آنها صدا و سیما نقش بسیار مهمی در این زمینه ایفا می‌کنند؛ معرفی الگوها در قالب فیلم‌ها و سریال‌ها و پخش برنامه‌ها، صحنه‌آرایی‌ها و نوع صحبت کردن و ... همگی می‌توانند نقش مهمی در شکل دهی به تفکر مصرفی افراد و هویت دادن به آنها در این زمینه داشته باشند. احدی انکار نمی‌کند که تا به حال رسانه‌ها در این جهت نقش مثبتی ایفا نکرده‌اند بلکه گاهی نقش منفی هم داشته‌اند (همان: ۹۳).

رفتارهای مسئولان و الگوی مصرف

در زمینه هدایت‌ها و آموزش‌های غیر مستقیم نباید رفتار دولتمردان و مسئولان را نادیده گرفت. ولخرجی، بریز و پاش و اسراف و تبذیر در دستگاه‌های اجرایی و ارگان‌های دولتی، چنان روح بی بند و باری مصرفی و روحیه اسراف و تبذیر در جان انسان‌ها نهادینه می‌کند که هیچ برنامه آموزشی مستقیمی چنین تأثیری را ندارد. بنابراین ساده زیستی، توجه به محدودیت‌های منابع و رعایت الگوی صحیح مصرف در دستگاه‌ها و توسط دولتمردان می‌تواند ذهنیت افراد جامعه را در جهت مستقیم و اصولی نگه دارد (ر.ک: نهج البلاغه، نامه ۵۳).

سلامت برنامه‌های تعلیمی الگوی مصرف

کاری مناسب و بجا است که در زمینه تصحیح افکار برای الگوی صحیح مصرف تلاش‌های علمی صورت پذیرد، کتاب‌ها نوشته شود، مقالاتی تنظیم گردد؛ سخنرانی‌هایی انجام شود و

اولویت‌بندی در معرفی الگوی مصرف

در خصوص رعایت الگوی مصرف باید سیاست‌ها و اهداف به درستی مشخص گردد و بر اساس آنها گام برداشته شود تا نتایج مطلوب حاصل گردد. از جمله این سیاست‌ها و هدف گذاری‌ها، اولویت بندی در این زمینه است و بدون اولویت بندی در این خصوص موفقیت‌ها چشم گیر نبوده و یا تک بعدی و نسبی خواهد بود. ابتدا باید بر روی فرهنگ سازی و زیر ساخت فکری این نظریه متمرکز شد و همان‌گونه که اشاره رفت باید یک پارادایم صحیح فکری در جامعه در راستای الگوی مصرف ایجاد نمود تا الگوی صحیح مصرف یک مطالبه اجتماعی عمومی قلمداد گردد و اینگونه نباشد که هر کس در زمینه اصلاح الگوی مصرف حرکت و رفتاری می‌کند، استثناء بوده و انگشت نما شود. پس از تبیین سیاستی کلی و هدف گذاری درست برای ایجاد این زمینه فرهنگی - فکری در جامعه، باید بر روی موارد خاص الگوی مصرف تمرکز کرد. به نظر می‌رسد مهم‌ترین و جدی‌ترین زمینه رعایت الگوی مصرف، در خصوص زمان و عمر است که توجه چندانی به آن نمی‌شود.

الگوی صحیح مصرف و مدیریت زمان

چه کسی است نپذیرد که عمر مهم‌ترین و گرانسنگ‌ترین سرمایه و ثمین‌ترین ذخیره در دست انسان می‌باشد؟ سرمایه‌ای که به هیچ وجه تجدید شدنی نیست و آزمون و خطا در آن به معنای هدر رفتن آن است. به گفته شاعر:

هر چه باشد در جهان دارد عوض
از عوض گردد تو را حاصل غرض

بی عوض دانی چه باشد در جهان

عمر باشد قدر عمرت را بدان
و این گونه نیست که انسان ذخیره بسیار پر ارزش خود به نام عمر را مصرف کند و سپس دوباره به دست آورد. این آرزوی افراد است که در این دنیا دو فرصت به آنها داده شود؛ تا به یکی تجربه آموختن و آن دگری تجربه آید به کار، ولی هرگز چنین نیست. لذا به فرمایش مولا امیرالمؤمنین (ع) باید از تجربه های دیگران درس آموخت و آزمون های آنها را جلو روی خود قرار داد تا بتوان برنامه صحیحی برای الگوی مصرف عمر خود تدوین کرد و عمل نمود. اینکه سعدی گفت:

مرد خردمند هنر پیشه را

عمر دو بایست در این روزگار

تا به یکی تجربه آموختن

و آن دگری تجربه آید به کار

منظور استفاده از تجربه دیگران و درست زندگی کردن بر اساس آن تجربه ها می باشد. توجه به مدیریت زمان و استفاده صحیح از عمر در روایات دینی و تعالیم اسلامی هم بسیار مورد توجه قرار گرفته است. در روایات می خوانیم که روز قیامت از افراد سؤال می شود که عمر خود را چگونه و در چه راهی مصرف کردی؟ آیا دقت در صرف این سرمایه عظیم داشتی یا خیر؟ عمر فرصت و سرمایه ای است که خدا در اختیار انسان قرار داده است و باید در مصرف آن الگوی صحیحی بدهیم. دوره جوانی که بسیار با اهمیت و طلایی است این چنین می باشد. لذا باید توجه ویژه به مصرف صحیح آن داشت و روایات اسلامی هم بیان می دارد که در روز قیامت از عمر بویژه دوره جوانی سؤال می شود که «شبابک فی ما افناه» جوانیت را چگونه از دست دادی و چطور صرف کردی (مجلسی، ج ۶۸: ۱۷ و طوسی، الامالی: ۵۲۷). می گویند از عمر هفتاد ساله انسان، بیست و پنج سال انسان می خوابد، هشت سال آن هم پای سفره می رود، نه سال از آنها برای دید و بازدید و تمهیدات کار از دست می رود، حدود شش سال و نیم از آن هم بر کارهای اجتماعی می گذرد، چیزی که باقی می ماند حدود یازده و نیم سال تا دوازده سال است که تقریباً صدویست هزار ساعت می شود. بنابراین کل عمر مفید انسان از هفتاد سال، بدون بیماری و درد و مرض، صدویست هزار ساعت

است (ماهنامه معارف، شماره ۶۵: ۴۴) و مشخص است که انسان باید در مصرف صحیح این سرمایه چقدر دقیق و حساب گر باشد. حال که تبیینی از چرایی و چگونگی ارائه الگوی صحیح مصرف به دست آمد، مقاله خود را در خصوص دیدگاه اسلام و معرفی الگوی صحیح مصرف از منظر تعالیم دینی و اسلامی پی می گیریم.

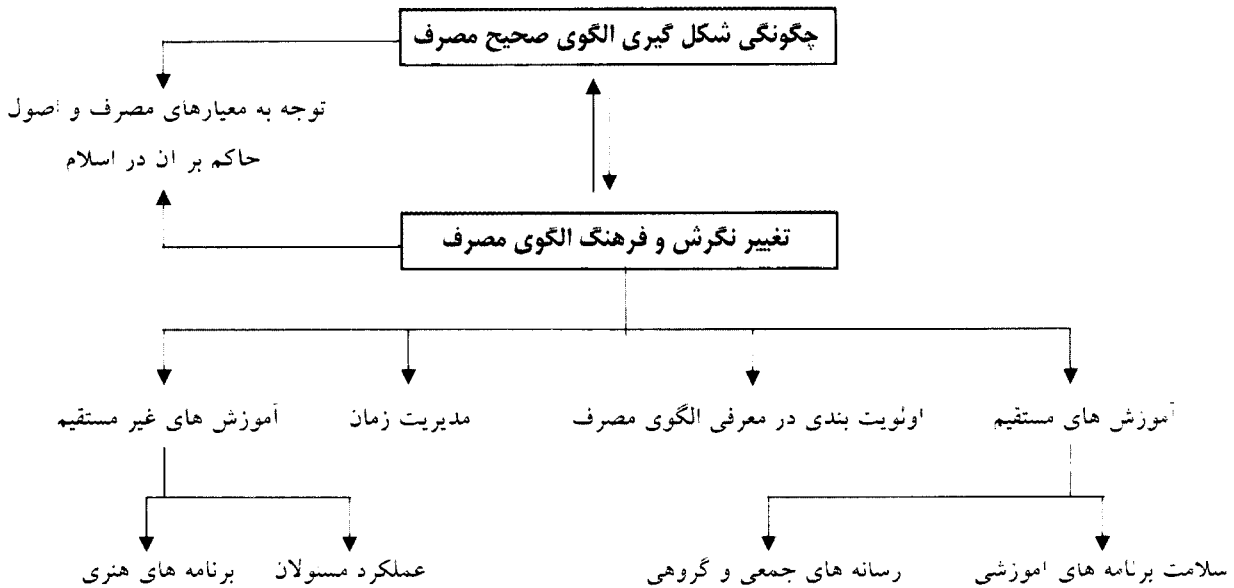
تأکید اسلام بر الگوی صحیح مصرف

ابعاد مادی و معنوی انسان، هر یک منشأ پیدایش نیازهایی است که در آموزه های واقع گرایانه و فطرت مدار اسلام، مورد توجه فراوان است. نیازهای مادی انسان همچون خوراک، پوشاک و مسکن، جنبه عمومی دارد و استثناپذیر نیست، حتی پیامبران و اولیای الهی نیز که در اوج معنویت و ملکوت بوده اند، به طور طبیعی، به امکانات مادی نیاز داشته اند (قرآن کریم، فرقان/ ۲۰ انبیاء/ ۸، مؤمنون/ ۳۲ و مائده/ ۷۵).

بر این اساس، قرآن کریم به گونه ای مستقیم یا غیر مستقیم، مصرف را تجویز نموده و تحریم اعتقادی یا عملی نعمت های مباح را سخت نگویده است؛ بدین گونه که از یک سو در آیات متعدد، تمام نعمت ها و امکانات هستی را در خدمت بشر می داند و تصرف انسان در آن و استفاده وی را جز در اموری خاص، مجاز شمرده است و اصل را بر اباحت و حلیت مصرف می نهد (بقره/ ۱۶۸ و انعام/ ۴۵، مائده/ ۵، ۴، اعراف/ ۱۵۷ و حج/ ۳۰).

از سوی دیگر، با ترغیب به استفاده از نعمت های مباح، تحریم آن را بدعت و تشریح می داند (مائده/ ۱۰۳، انعام/ ۱۳۸ و ۱۴۰ و ۱۵۰ و یونس/ ۵۹ و ۶۰) و خودداری از مصرف آن را سرزنش می کند: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (اعراف/ ۳۲) «بگو: زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و [نیز] روزی های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده است؟ بگو: این [نعمت ها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده اند و روز قیامت [نیز] خاص آنان می باشد».

با وجود این، بر خلاف مکاتب رایج اقتصادی، مصرف از دیدگاه اسلام، هدف نهایی نیست، بلکه هدفی میانی است و مقدمه ای برای اهداف والاتر که می باید در چارچوب معیارهای ارزشی و



«شکل ۱»

میانی، و به تعبیر بهتر، راهکارهای تحقق هدف نهایی و رسیدن به کمال مطلوب را یادآور شده است؛ بدین گونه که غالباً در کنار امر به مصرف و تصرف در نعمت ها، دستوراتی را ارائه فرموده است که هدف از مصرف را روشن می سازد. این دستورات عبارت است از:

۱. مصرف همراه با پارسایی: برای تکامل و تقرب به حق، نخستین گام، ترک نافرمانی خدا و دوری جستن از گناهان است. از این رو، تصرف در نعمت ها باید همراه با پارسایی و ترک گناه باشد: «وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَ اتَّقُوا اللَّهَ» (مانده/۸) «و از آنچه خداوند روزی شما گردانیده، حلال و پاکیزه را بخورید و از خدا پروا دارید».

۲. مصرف همراه با عمل صالح: قرآن کریم این نکته را یادآور می شود که مصرف، باید مقدمه انجام کارهای شایسته باشد: «يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ اعْمَلُوا صَالِحًا» (مؤمنون/۵۱) «ای پیامبران! از چیزهای پاکیزه بخورید و کار شایسته انجام دهید».

۳. مصرف همراه با شکر: نتیجه نکات یاد شده (ترک گناه و عمل صالح) در شکر نمود می یابد؛ چرا که شکر به مفهوم گسترده اش، به کارگیری نعمت ها در مسیر هدف آفرینش آنهاست: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ» (بقره/۱۷۲) «ای کسانی که ایمان آورده اید، از نعمت های

با رعایت محدودیت های خاصی انجام گیرد که در ادامه به آن می پردازیم. شکل ۱ چگونگی ایجاد یک تفکر در زمینه الگوی صحیح مصرف را ترسیم می کند.

اهداف و انگیزه های مصرف و مکاتب مختلف

در اقتصاد سرمایه داری، هدف نهایی از مصرف، افزایش مطلوبیت است. مطلوبیت، به معنای فایده و رضایت خاطر است که انسان از مصرف کالا یا خدمات، به دست می آورد (نک: مریدی: ۶۸). در این دیدگاه، سعادت آدمی در به دست آوردن بیشترین لذت است و لذت نیز با وجود اختلاف در مفهوم و مصداق آن بیشتر منحصر به لذات مادی است (نک: شومپتر، ج ۱: ۱۷۰-۱۷۵).

اگرچه مکتب اسلام در پی فراهم سازی زمینه سعادت و خوشبختی فرد و جامعه است، ولی سعادت را منحصر در افزایش لذت ناشی از مصرف کالا و خدمات نمی داند. در قرآن کریم، واژگانی همچون «فوز»، «آل عمران/۱۸۵»، «نساء/۷۳»، «مانده/۱۱۹» و «توبه (بقره) ۵»، «توبه/۸۸» و «مؤمنون/۱۰۲» و «سعادت» (هود/۱۰۸) که مفهوم خوشبختی راستین آدمی را بیان می کند، همگی ناظر به چنین مفهوم بلندی است.

قرآن کریم، برای دستیابی به هدف نهایی یاد شده، اهداف

دلیل اهمیت و تأثیر تعیین کننده آن در الگوی مصرف، اشاره به آن مناسب می‌نماید.

کالاها و خدمات مصرفی ممنوع را می‌توان در سه دسته جای داد:

الف) مصرف مطلق برخی کالاها ممنوع است؛ بدین معنا که برای همه افراد و در هر زمان و مکان، حرام می‌باشد و مصرف آن جز در اموری استثنایی همچون اضطرار روا نیست؛ چون مصرف شراب، خون، مردار، گوشت خوک و حیوانات حلال گوشتی که ذبح شرعی نشده است (بقره/۱۷۳، مائده/۳ و ۹۰، انعام/۱۴۱ و ۱۴۵ و نحل/۱۱۵).

برخی آیات قرآن، معیارها و ملاک‌های اباحه و تحریم پاره‌ای کالاها را نیز بیان کرده است؛ خبیث (اعراف/۱۵۷) و پلید (انعام/۱۴۵) بودن، ایجاد دشمنی، کینه‌توزی و غفلت، مائده/۹۰ و ۹۱) معیارهایی برای ممنوعیت برخی کالاها یاد شده است (نک: رجایی: ۳۴-۳۳۰).

ب) مصرف اموال و کالاهای دیگران بدون رضایت آنان، گونه دیگری از ممنوعیت مصرف در اسلام است. قرآن کریم، با طرح عنوان کلی «اکل مال به باطل» (بقره/۱۸۸ و نساء/۲۹) و نهی از آن، هرگونه مصرف و تصرفی را که از راه‌های غیر مشروع همچون تقلب، اختلاس، ربا، قمار، غصب، استثمار و مانند آن باشد، ممنوع ساخته است. ناگفته پیداست که مراد از «اکل» در اینجا، مطلق تصرف است، خواه به صورت خوردن باشد یا پوشیدن و سکونت و جز آن.

از سوی دیگر، بر اساس آموزه‌های دینی حرام خواری بر روح و روان آدمی تأثیری منفی می‌نهد و موجب دل‌مردگی و سنگ‌دلی می‌گردد و صفای باطن را می‌زداید، چنان که مصرف مال حلال، زمینه روحی مناسبی برای انجام کارهای نیک فراهم می‌سازد. قرآن کریم، با اشاره‌ای نغز به این نکته، می‌فرماید: «یا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا» (مؤمنون/۵۱) «ای پیامبران! از چیزهای پاکیزه بخورید و کار شایسته کنید».

در برخی روایات نیز چنین مفهومی آمده است، چنان که امام حسین(ع) خطاب به لشکریان عمر سعد، هنگامی که آنان حاضر به شنیدن سخنان ایشان نشدند، فرمود: «ویلکم! ما علیکم أن تنصتوا إلیّ... فقد ملئت بطونکم من الحرام و طبع علی

پاکیزه‌ای که روزی شما کردیم بخورید و خدا را شکر کنید».

۴. مصرف همراه با ادای حقوق: از مصادیق بارز شکر عملی، پرداخت حقوق مالی و از جمله حق فقیران است: «كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلا تُسْرِفُوا» (انعام/۱۴۱) و نیز نک: رجایی: ۹-۲۸۷) «از میوه آن چون ثمر داد بخورید، و حق [بینویان از] آن را روز بهره‌برداری از آن بدهید و زیاده‌روی نکنید».

نکته پایانی این بحث آن است که اهداف والایی که اسلام برای مصرف ارائه کرده است، موجب شکل‌گیری انگیزه‌های مثبت در نظر مصرف‌کننده مسلمان می‌شود به گونه‌ای که مصرف هرگونه کالا و استفاده از هر خدمتی را به انگیزه رضایت الهی و نیل به پاداش و قرب او انجام می‌دهد.

رسول خدا (ص) در این باره می‌فرماید: «لیکن لک فی کلّ شیء نية حتی فی النوم و الأکل»؛ (حز عاملی، ج ۱: ۳۴) «باید که تو را در هر چیز حتی در خواب و خوراک، نیتی [شایسته] باشد».

در مقابل اهداف مثبت یاد شده، انگیزه‌های منفی در مصرف، همچون فخر فروشی، خودنمایی، هم‌چشمی و شهوت‌خواهی است که هرچند ممکن است منع شرعی نداشته باشد، بی‌گمان برخلاف ارزش‌های دینی بوده و در قرآن و روایات، نکوهیده است (اعراف/۱۷۶، یوسف/۵۲، جاثیه/۲۳، محمد/۱۴ و حدید/۲۰).

اهداف اسلام در مصرف، وجود محدودیت‌هایی را در استفاده از کالاها و خدمات موجب می‌گردد و رعایت چارچوب ارزشی خاصی را الزامی می‌کند. از این رو، شایسته است به محدودیت‌های مهم مصرف از دیدگاه اسلام، اشاره کنیم.

محدودیت‌های مصرف از نظر اسلام

چنان که گذشت، مصرف از دیدگاه اسلام، مقدمه و ابزاری است برای نیل به سعادت حقیقی و کمال مطلوب. بر این اساس، مصرف کالاها و خدماتی که آدمی را از رسیدن به مقصد و هدف نهایی باز می‌دارد، ممنوع است. از این رو، در آیین والای اسلام، مصرف برخی کالاها به طور کلی یا در شرایطی خاص ممنوع است و می‌باید در تعیین الگوی مصرف، به آن توجه کرد. تفصیل مطالب درباره این موضوع، در علم فقه بررسی می‌شود، ولی به

قلوبکم...»؛ (مجلسی، ج ۴۵: ۸)

وای بر شما! چه چیزی شنیدن سخن ما را بر شما گران نموده است؟... قطعاً شکم های شما از حرام پر شده است و بر دل هایتان مهر زده شده

ج) مصرف پاره‌ای کالاها در شرایط زمانی و مکانی خاصی ممنوع است. برای نمونه، خوردن و آشامیدن در حال روزه، (بقره/۱۷۶) صید برخی حیوانات صحرائی (مانده/۹۶) و پوشیدن برخی لباس ها در حال احرام (کلینی، ج ۴: ۴۶-۳۶۴ و طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۵: ۷۰-۶۹) از آن جمله است.

افزون بر اینها، محدودیت های دیگری نیز در چند و چون مصرف و بویژه نفی اسراف و مصرف زدگی وجود دارد.

اصول حاکم بر مصرف

از دیدگاه ارزشی اسلام، چگونگی و مقدار مصرف، بر اساس معیارها و اصولی مشخص می‌گردد که معیارهای مهم آن را به اختصار بررسی می‌کنیم.

۱. اصل نیاز

انسان در زندگی، نیازهای گوناگونی دارد که بخشی از آنها مادی است. نیاز یکی از عوامل مهم و مؤثر در تخصیص درآمد و از انگیزه‌های مصرف می‌باشد. از این رو، بایسته است به مفهوم‌شناسی نیاز و گستره آن بپردازیم.

چیستی نیاز

تعریف نیاز و شناسایی مصادیق آن با در نظر گرفتن هدف نهایی انسان، شدنی است. در آغاز گفتیم که هدف نهایی انسان در جهان بینی اسلامی، دستیابی به مقام قرب الهی از راه عبودیت است. هر چیزی که انسان را در وصول به این هدف یاری دهد، نیاز وی شمرده می‌شود. بی‌گمان تأمین معاش و امکانات مادی برای پیمودن این مسیر ضرورت دارد (میرمعزی: ۹۶-۹۴). و از این رو، از دیدگاه اسلام، مصرف با هدف تأمین نیازمندی های مادی، ضرورتی ارزشمند است.

گستره نیازهای مادی

اقتصاددانان مسلمان، دسته بندی های گوناگونی از نیازهای مادی انسان، ارائه نموده‌اند که به نظر می‌رسد دسته‌بندی زیر،

تقسیم خوبی در سطوح نیازهای مصرفی مسلمانان باشد:

۱. ضرورت: آن مقدار از امکانات که برای حفظ سلامت روحی و جسمی فرد، ضرورت دارد.

۲. کفاف: مقداری که نیازها را در سطح متوسط عرفی پاسخ دهد.

۳. رفاه: مقداری بالاتر از کفاف به گونه‌ای که از دید عرف،

اسراف و تجمل‌گرایی به شمار نرود (ر.ک: حسینی: ۲۴).

در آموزه‌های اسلامی بر تأمین نیازهای رفاهی تمام انسان ها تأکید شده است، بدین معنا که همه افراد در کنار تأمین نیازمندی های ضروری خود، از امکانات رفاهی نسبی و متعارف نیز برخوردار باشند:

«وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ ..»:

(اعراف/۱۰) «و قطعاً شما را در زمین، قدرت عمل دادیم و برای

شما در آن، وسایل معیشت نهادیم».

«قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ..» (اعراف/۳۲) « بگو:

زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و [نیز] روزی های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده است؟ بگو: این [نعمت ها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آوردند».

در روایات نیز به این نکته توجه شده است و فراهم ساختن رفاه نسبی جامعه، از آرمان های اقتصاد اسلامی است به گونه‌ای که حتی به فقیران و تنگدستان، آن اندازه زکات و صدقه باید داده شود که به زندگی متوسط دست یابند.

امام صادق(ع) می‌فرماید: «من سعادة المسلم سعة المسكن و الجار الصالح و المركب الهنيئ»؛ (کلینی، ج ۶: ۵۲۶ و ج ۳: ۶۰-۵۵۶ و ج ۴: ۱۱)

از خوشبختی [و رفاه] مسلمان، وسعت منزل، همسایه خوب و مرکب راهوار است.

نفی نیازهای کاذب

از مباحث اساسی اسلام در اصلاح الگوی مصرف، نفی نیازهای کاذب و غیر واقعی است که خود از تمایزات اساسی میان مکتب اقتصادی اسلام با سرمایه‌داری به شمار می‌رود. از دیدگاه اسلام، نیاز مادی آدمی باید در حد متعارف تأمین گردد، ولی مصارف بیهوده و کاذب، به هیچ روی تأیید نشده است و در صورتی که

روشن است که در تبلیغات بازرگانی، واقع‌نمایی شرط نخست است.

۲. اشاره به کاستی‌ها و عیوب کالا: بر این نکته تأکید فراوانی شده است. برای نمونه امام صادق (ع) می‌فرماید: «من باع و اشتري فليحفظ خمس خصال و إلا فلا یشتري و لا یبیع... و کتمان العیب» (کلینی، ج ۵: ۱۵۰).

«هر کس خرید و فروش می‌کند باید پنج خصلت را حفظ نماید و گرنه هرگز خرید و فروش نکند: [یکی از آنها عبارت است از: پرهیز از] پنهان کردن عیب».

در روایات دیگر تصریح شده که پنهان کردن عیب، گونه‌ای غش [فريب] است و فروشنده یا هر فرد آگاه دیگر باید مشتری را از عیب کالا آگاه نماید (تمیمی، ج ۲: ۴۷).

۳. نهی از تبانی برای تبلیغات فریبنده: این موضوع در روایات، با نام «نَجْش» یاد شده است و مفهوم آن این است که شخصی بی‌آنکه خرید کالایی را قصد داشته باشد، پیوسته از آن تعریف کند یا وانمود نماید به قیمت بالایی خریدار است تا دیگران را در خرید کالا فریب دهد (زیبیدی، ج ۱۷: ۴۰۶-۴۰۲) البته به تصریح برخی فقیهان، این کار حتی بدون تبانی با فروشنده نیز حرام است (نجفی، ج ۲۲: ۴۷۶).

رسول خدا (ص) می‌فرماید: «... الناجش و المنجوش ملعونون علی لسان محمد» (کلینی، ج ۵: ۵۵۹)
«تمجیدکننده [کالا] و آن کس که به نفع او تمجید شده است، بر زبان محمد نفرین شده‌اند».

۴. نفی جلوه‌های کاذب تبلیغاتی: ایجاد جلوه‌های کاذب تبلیغاتی در محل فروش کالا با نورهای خیره کننده، صداهای محرک و بسته‌بندی‌های لوکس و فریبنده، از شگردهای تبلیغاتی کاذب به شمار می‌رود که در آموزه‌های دینی نهی شده است.

هشام بن حکم گوید: «در سایه، مشغول فروختن جامه‌های نازک بودم که امام کاظم (ع) به من رسید و فرمود:

ای هشام! فروختن در سایه، گونه‌ای از [غش] [فريب] است و غش قطعاً حلال نیست» (همان: ۱۶۰).

در مسیر تکامل و هدف‌نهایی، مانعی ایجاد کند، ضد ارزش محسوب می‌گردد.

بارزترین مصادیق نیازهای غیر واقعی عبارت است از:

الف) نیازهای ناشی از خواسته‌های نفس

از آثار پیروی از هوای نفس آن است که برای تحریک آدمی به سوی امیال و هوس‌های خود با تضعیف نیروی عقل، (آمدی: ۶۴) نیازهایی را در پندار وی می‌آفریند که در واقع نیاز نیست، بلکه خاستگاه آن، شهوت و نفس و میل به لذت‌گرایی است.

آنکس که هرچه را خواهد، بخورد و بیوشد و سوار شود، خداوند به او نظر رحمت نمی‌افکند، مگر آنکه آن را وا نهد و توبه نماید... (حرانی: ۳۷).

ب) نیازهای ناشی از تبلیغات

تردیدی نیست که تبلیغات بازرگانی با هدف معرفی کالا به خریداران و بیان ویژگی‌ها و امتیازات آن، ضرورتی است که در عصر حاضر، یکی از عناصر مهم پیشرفت اقتصادی به شمار می‌رود.

امروزه تبلیغات تجاری، از فلسفه وجودی خود فاصله گرفته و کارکرد اصلی آن، به جای معرفی کالا به «ایجاد احساس نیاز» تبدیل گشته است و «تجارت تبلیغات» جای «تبلیغات تجاری» را گرفته است و شرکت‌های بزرگ، هزینه‌های هنگفتی را به این امر اختصاص داده‌اند تا با تأثیر بر افکار عمومی، با استفاده از پیشرفته‌ترین شگردهای تبلیغاتی، تولیدات خود را بفروشند و اعتبار بیشتری به دست آورند.

در آموزه‌های دینی برای مقابله با تبلیغات دروغین، دستوراتی داده شده است:

۱. تأکید بر راستگویی: یکی از ویژگی‌های مهم تاجر مسلمان، راستگویی است. امام صادق (ع) می‌فرماید:

«... فَإِنَّ التَّاجِرَ الصَّادِقَ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (حرّ عاملی، ج ۱۲: ۲۸۵)

براستی که تاجر راستگو، روز قیامت، با سفیران گرامی نیکوکار [فرشتگان والا مقام] همراه است.

۱. برای مثال طبق آمار، تنها در سال ۱۹۸۴ م. شرکت‌های فراملیتی، حدود ۱۵۰ میلیارد دلار برای فروش محصولات و خدمات خود، خرج تبلیغات و هزینه بازاریابی کرده‌اند و این رقم، در سال‌های بعد روندی صعودی داشته است (نک: لستر براون و همکاران، علائم حیاتی کره زمین، ترجمه حمید طراوتی: ۱۲۹ - ۱۳۰؛ ابراهیم شهبازی و محمد حسین شمسایی، «سرمایه‌داری علت عقب‌ماندگی»، پدیده‌شناسی فقر و توسعه، ج ۳: ۹۸).

۲. اصل تقدیر معیشت

از اصول مهم اسلامی در مصرف تدبیر امور اقتصادی و انضباط مالی است که با عنوان «تقدیر معیشت» مطرح می‌گردد. تقدیر معیشت در واقع برنامه ریزی صحیح و واقع بینانه و ساماندهی به مسائل اقتصادی است تا استفاده از امکانات مالی برای تأمین نیازها و رفاه نسبی هر چه بیشتر و بهتر انجام گیرد. روشن است که نبود تدابیر لازم در تخصیص درآمد و مصرف، اتلاف سرمایه های مادی و هدر رفتن نیروهای انسانی را باعث می‌شود و دستیابی به رفاه و آسایش را - به ویژه در صورت محدودیت درآمد و امکانات - دشوار یا ناممکن می‌سازد. اهمیت این موضوع در بعد اقتصادی و به تبع آن در دیگر ابعاد زندگی تا آنجاست که در روایات از آن به عنوان «نیمی از ابزار تأمین زندگی» و نشانه ایمان و کمال شخص یاد شده است. امام علی (ع) می‌فرماید: «التقدیر نصف المعیشه»، (حرانی: ۱۰۵) «تقدیر و اندازه گیری نیمی از وسیله زندگی است».

اصل تقدیر معیشت در مفهوم گسترده خود تمامی ناشایست‌ها همچون اسراف، تبذیر و تضييع مالی را نفی می‌کند و ارزش‌ها و معیارهای اخلاقی اقتصادی را باز می‌نماید. اصل میانه روی از این معیارهاست که اکنون به تفصیل می‌آید.

۳. اصل اعتدال

از معیارها و ارزش‌های مهم اسلامی در تمام ابعاد زندگی و از جمله مصرف اصل اعتدال است. این اصل که آموزه های دینی بر آن تأکید کرده، از سوی خرد و فطرت آدمی نیز مهر تأیید خورده است؛ چرا که ساماندهی استواری جسم و جان آدمی و امور فردی و اجتماعی او مرهون رعایت همین اصل است.

افزون بر آن، اهمیت رعایت میانه روی در مصرف از آنجاست که چون نیازهای انسان متنوع است و به دلیل محدودیت‌ها، نمی‌توان تمام آنها را برآورده نمود؛ از این رو باید نیازهای گوناگون در نظر گرفته شود و در حد اعتدال به آن رسیدگی کرد. از سوی دیگر، بیشتر امکانات و منابع مادی محدود است و زیاده روی گروهی در مصرف، محرومیت دیگران را به همراه خواهد داشت. از جنبه دیگر سلامت و نشاط انسان و پرداختن به ابعاد دیگر زندگی به ویژه امور معنوی، نیازمند مصرف معتدلانه

است. از این رو، بیهوده نیست که در آموزه های دینی، به اصل اعتدال بیش از اصول دیگر پرداخته شده است.

جایگاه و گستره اعتدال در مصرف

در آموزه‌های دینی، جایگاه اصل اعتدال در مصرف و شمول و ثبوت آن را به خوبی می‌توان دریافت.

در این آموزه‌ها، از اصل اعتدال با تعبیری چون «قصد»، (امام رضا: ۲۵۴) «اقتصاد»، (متقی هندی، ج ۳: ۵۳) «قوام»، (فرقان/۶۷) و «وسط» (نک: کلینی، ج ۶: ۵۴۰) یاد شده است که هر یک، افراط و تفریط در اقتصاد را نکوهیده‌اند.

قرآن کریم در بیانی استوار، بر رعایت میانه‌روی در هزینه‌های زندگی و پرهیز از زیاده روی و سخت‌گیری تأکید فرموده است: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان/۶۷) «و کسانی که هرگاه انفاق کنند، نه اسراف می‌نمایند و نه سخت‌گیری بلکه در میان این دو، حد اعتدالی دارند».

در روایتی نیز چنین آمده که شخصی از حضرت رضا (ع) در مورد چگونگی تأمین نیازهای خانواده پرسید. امام (ع) فرمود: «بین دو کار ناپسند قرار داری... آیا نمی‌دانی که خداوند زیاده روی و سخت‌گیری را ناپسند دانست و فرمود: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا» (صدوق، الخصال: ۵-۵۴ و کلینی، ج ۴: ۵۵)

اهمیت اعتدال تا آنجاست که حتی صرف مال در راه خدا و انفاق نیز باید در حد میانه و به دور از افراط و تفریط انجام گیرد. «وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا» (اسراء/۲۹) «و دستت را به گردنت زنجیر مکن [بخل منما] و بسیار [هم] گشاده دستی مکن تا ملامت شوی و حسرت‌زده بر جای مانی».

امام حسن عسکری (ع) می‌فرماید: «ان للسَّخَاءِ مَقْدَارًا فَان زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ سَرْفٌ... و للاقتصاد مَقْدَارًا فَان زَادَ عَلَيْهِ فَهُوَ بَخْلٌ...» (مجلسی، ج ۶۶: ۴۰۷)

«سَخَاوَتِ اَنْدَاذَه اِي دَارِدُ كَه فِرَاتِرُ اَز اَنْ، اَسْرَافِ اسْت... و مِيَاَنَه رُوي حُدِّي دَارِدُ كَه پَايِيْن تَر اَز اَنْ، خَسَااسْت اسْت».

معیارهای اعتدال

یکی از مباحث اساسی در بحث اعتدال آن است که چگونه

گندم و بافته ابریشم را به کار برم، لکن هرگز... [چرا که] شاید در حجاز یا یمامه، کسی حسرت گرده نانی برد و هرگز شکمی سیر نخورد و من سیر بخوابم و پیرامونم شکم هایی باشد از گرسنگی به پشت دوخته، و جگرهایی سوخته».

جهت دوم: در تأثیر شرایط زمان بر تعیین حد اعتدال توجه به آداب و رسوم مشروع جامعه است. هر جامعه ای بر اساس فرهنگ حاکم بر آن، آداب و رسومی در چند و چون مصرف دارد که الزامات اجتماعی، همگان را به رعایت آن وامی دارد و حتی مخالفت با آن، موجب ایجاد نوعی نفرت یا ذلت و خواری در دید عموم می گردد. به خوبی روشن است که هرگاه این آداب و رسوم، مخالفت با شرع نداشته باشد، رعایت آن لازم خواهد بود. از همین روست که پوشیدن لباس شهرت که به دلیل مخالفتش با آداب و رسوم حاکم، آدمی را انگشت نما می سازد، ممنوع است (کلینی، ج ۶: ۴۴۴).

بر این اساس، در رعایت حد اعتدال مصرف، به این مسأله باید توجه شود. حضرت رضا(ع) فرمودند:

«دوستاناران بی بضاعت من مایلند که من روی نمذ نشینم و لباس خشن بپوشم، در حالی که [شرایط] زمان، چنین چیزی را بر نمی تابد» (مجلسی، ج ۷۶: ۳۰۹).

نیز امام صادق(ع)، در بیان تفاوت سیره خود با سیره علی(ع) در پوشیدن لباس می فرماید:

«إن علی بن ابی طالب(ع) کان یلبس ذلک فی زمان لا ینکر علیه و لو لبس مثل ذلک الیوم شهر به، فخیر لباس کل زمان لباس أهله» (کلینی، ج ۱: ۴۱۱).

«همانا علی بن ابی طالب(ع) آن گونه لباس [خشن] را در زمانی می پوشید که بر او خرده نمی گرفتند، ولی پوشیدن آن در زمان ما موجب شهرت خواهد بود، پس بهترین لباس هر زمانی لباس مردم همان زمان است».

آثار مثبت اعتدال

پیمودن راه تکامل و دست یابی به هدف نهایی، در گرو رعایت اعتدال در همه عرصه های زندگی است (مطهری: ۶۰-۴۱). بنابر این، رعایت این اصل برای رسیدن به کمال، ضروری می نماید. میانه روی در مصرف نیز یکی از مصادیق این اصل است که

و با چه معیارهایی حد میانه را باز شناسیم. دست کم دو معیار اساسی برای تعیین حد وسط در مصرف وجود دارد:

۱. نیاز آدمی به امکانات مادی و کالاهای مصرفی، به گونه ای که هرگاه مصرف کالایی از نظر چند و چون، برای برطرف کردن نیازی از نیازمندی های آدمی کافی نباشد، مصداقی از تفریط است و در صورتی که فراتر از حد نیاز باشد، به اسراف و اتراف منجر می گردد که خود گونه ای از افراط و تجاوز از حد میانه خواهد بود.

۲. شرایط زمان: این معیار از دو جهت بر تعیین حد میانه تأثیر دارد:

جهت نخست: شرایط اقتصادی جامعه و وضعیت معیشت مردم. عدالت در توزیع امکانات، اقتضا می کند سهم هر فرد از کالاهای مصرفی، متناسب با امکانات موجود در جامعه تعیین گردد. بنابراین، در جامعه ای ثروتمند و برخوردار میانگین مصرف عمومی بالاتر از جامعه فقیر و محروم خواهد بود.

روایاتی چند بر این مطلب دلالت یا اشاره دارد؛ از جمله حدیث مشهور سفیان ثوری است. وی با دیدن لباس های زیبا و کم و بیش گران قیمتی که امام صادق(ع) بر تن داشت، به اعتراض گفت: ای فرزند رسول خدا(ص)، پیامبر(ص) و علی(ع) و هیچ یک از پدران چنین لباسی نپوشیده بودند!

امام(ع) در پاسخ فرمود: «کان رسول الله (ص) فی زمان قتر ومقتر و کان يأخذ لقتره و اقتداره و ان الدنيا بعد ذلک ارخت عزالیها، فا حق اهلا بها ابرارها» (کلینی، ج ۶: ۴۴۲).

رسول خدا(ص) در زمانی می زیست که وضع زندگی مردم بسیار سخت و دشوار بود و ایشان نیز طبق همان شرایط، رفتار می نمود، ولی پس از او، دنیا بر مردم گشایش یافت، پس سزاوارترین افراد به [استفاده از] آن، نیکان می باشند.

سخن امیرمؤمنان(ع) نیز می تواند اشاره ای به این نکته داشته باشد:

«و لو شئت لاهتدیت الطريق الی مصفی هذا العسل و لباب هذا الفمخ و نسائج هذا القرز، و لکن هیهات... و لعل بالحجاز او الیمامه من لاطمع له فی القرص و لاعهد له بالشعب او ابیت مبطاناً و حولی بطون غری و اکباد حری» (نهج البلاغه، نامه ۴۵)
«و اگر می خواستم، می دانستم چگونه عسل پالوده و مغز

آثار مثبت فراوانی در پی دارد. برخی از این آثار عبارت است از:

الف) آثار اقتصادی

بر اساس آموزه‌های دینی و بر پایه حکم عقل و تجربه، میانه‌روی در مصرف، تأثیر بسزایی در ساماندهی امور اقتصادی و کاهش هزینه‌ها و در نتیجه پیش‌گیری از فقر و عقب‌ماندگی فرد و جامعه دارد. امام علی (ع) می‌فرماید: «الاقتصاد ینمی القلیل» (آمدی: ۳۵۳).

میانه روی، [مال] کم را رشد می‌دهد.

نیز امام صادق (ع) می‌فرماید: «ضمنت لمن اقتصد أن لا یفتقر» (کلینی، ج ۴: ۵۳).

«تضمین می‌کنم آن کس که میانه‌روی کند، فقیر نگردد».

ب) سلامت جسم و جان

میانه روی به ویژه در مصرف مواد خوراکی، ضامن سلامتی جسم و جان فرد است؛ زیرا زیاده‌روی در آن، عامل بسیاری از بیماری‌هاست (عبدالرضا: ۱۵-۱۱۰) و تأثیراتی منفی بر جان و روان آدمی می‌نهد، چنان که تفریط در این امر نیز سبب سوء تغذیه، ضعف و بیماری خواهد بود. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «إیاکم و فضول المطعم، فإنه یسمّ القلب بالقسوة و یبطئ بالجوارح عن الطاعة و یصمّ الهمم عن سماع الموعظة» (مجلسی، ج ۱۰۰: ۲۷).

«از پر خوری بپرهیزید که آن، سنگ‌دلی می‌آورد و اعضای بدن را در اطاعت خدا تنبل می‌سازد و گوش همت آدمی را از شنیدن پند و اندرز کر می‌سازد».

نیز امام علی (ع) می‌فرماید: «من اقتصر فی أکله، کثرت صحته و صلحت فکرت» (آمدی: ۳۲۰).

«هر که اندازه خورد، سلامتی‌اش فزونی یابد و اندیشه‌اش به درستی گراید».

ج) محبوبیت الهی

اعتدال در مصرف، موجب خشنودی خداوند است؛ چرا که استفاده مطلوب از نعمت‌های او در مسیر رسیدن به هدف نهایی و قرب به حق، تنها در پرتو رعایت این اصل، شدنی است. امام

صادق (ع) در ذیل آیه ۱۹۵ از سوره بقره می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ».

«به راستی خداوند، نیکوکاران را دوست می‌دارد» که منظور میانه‌روان است (کلینی، ج ۴: ۵۳).

خروج از حد اعتدال، بیشتر به شکل زیاده‌روی و اسراف و تبذیر است که در مباحث بعدی به تفصیل خواهد آمد.

۴. اصل توجه به اولویت‌ها

رعایت اولویت‌ها در تخصیص درآمد و مصرف، برای دستیابی به الگوی مصرف مناسب و جلوگیری از نارسایی‌ها و تضییع حقوق افراد، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. ضرورت این کار برای افرادی که درآمدی محدود دارند، نمود بیشتری می‌یابد. «پولش را در راه خدا صرف کند و فرمود که مصرف آن را در راه خدا فضیلتی بیش از مصرف آن در راه‌های پیشین نداشت» (طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶: ۱۷۱).

در روایات دیگر نیز تصریح شده است که نباید به نفع برادر دینی اقدام به کاری نمود که زیان آن برای شخص، بیش از سود آن برای برادر مؤمنش است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «لاتدخل لأخیک فی أمر مضرته علیک أعظم من منفعت له» (کلینی، ج ۴: ۳۲).

«در کاری که زیانش بر تو بیشتر از سود آن برای برادرت است، وارد نشو».

بدین سان، صرف مال برای تأمین نیازهای غیر ضروری دیگران، در صورتی که نیاز خود شخص به آن بیشتر است، تأیید نمی‌شود.

۵. اصل ساده‌زیستی و قناعت

از ارزش‌های اخلاقی حاکم بر مصرف، اصل ساده‌زیستی و قناعت است.

قناعت به معنای اکتفا به اندک است (راغب اصفهانی: ۶۵۸). از نگاه روان‌شناختی، قناعت، خشنودی و رضایت‌مندی را برای شخص قانع به ارمغان می‌آورد، به گونه‌ای که با وجود مصرف اندک، از زندگی لذت می‌برد، هرچند ثروتی نداشته باشد.

قناعت در کنار غنا و ثروت، از عواملی است که زندگی را گوارا می‌سازد (مجلسی، ج ۱: ۸۳)؛ با وجود این، ثروت بدون قناعت

ساده‌زیستی، صرفه جویی در مصرف کالاها و امکانات را موجب می‌گردد و زمینه مشارکت بیشتر در انفاق مالی را مهیا می‌کند. نکته دیگر آنکه در بینش اسلامی، هزینه کردن مازاد در آمد در کارهای خیر و به ویژه کمک به محرومان، به نوعی در قالب اصل «نیاز» قرار می‌گیرد؛ زیرا نیازهای انسان، گاه فعلی و دنیوی است و گاه در آینده و اخروی، و پاداش انفاق در راه خدا از نیازهای اخروی به شمار می‌رود.

ضمن آنکه انفاق، در عین حال که گونه‌ای از مصرف است، توزیع مجدد امکانات به نفع محرومان نیز می‌باشد. انفاق مالی، جایگاه ممتازی در مکتب اقتصادی و اخلاقی اسلام دارد؛ به طوری که در قرآن کریم، بیش از ۱۹۰ آیه (حدود ۳٪ کل آیات) به این موضوع اختصاص یافته است. در این آیات و نیز روایات مربوط، با شیوه‌های گوناگونی به اهمیت و ترغیب توانگران به این امر، اشاره شده است؛ از جمله اینکه انفاق از ارکان و نشانه‌های راستی ایمان دانسته شده (انفال/۴-۳ و حجرات/۱۵) و هم ردیف نماز (بقره/۳) و جهاد با جان (بقره/۱۹۳ و ۱۹۵ و توبه/۴۱) و نشانه متقین (آل عمران/۴-۱۳۳) معرفی شده است. نظر به آنچه تبیین گردید در شکل ۲ می‌توان مدل الگوی صحیح مصرف در اسلام را یافت.

آسیب‌های مصرف

اصلاح الگوی مصرف نیازمند رفع آسیب‌هایی همچون زیاده‌روی، اسراف و تبذیر و نیز مصرف‌زدگی و پرداختن بیش از حد به تجملات است. بنابراین، نیازمند آن است که بحث اسراف و مصرف‌زدگی را با تفصیلی فزون‌تر مطرح نماییم.

۱. نفی اسراف و تبذیر

یکی از آسیب‌های مهم مصرف، اسراف و زیاده‌روی است که پیامدهای منفی و گاه خطرناکی چه در بعد اقتصادی و چه در بعد اخلاقی و ارزشی بر جای می‌گذارد. از این رو، شایسته است ابعاد گوناگون این مسأله را با تفصیلی بیشتر بررسی کنیم.

مفهوم اسراف و تبذیر و تفاوت آن دو

واژه «اسراف» در اصل به معنای «تجاوز از حد وسط» (ابن

گواریبی زندگی را نخواهد چشاند؛ جامعه مصرف‌گرایی که قناعت پیشه نیست، رضایت خاطر شهروندان خود را بر آورده نمی‌سازد (نک: در نینگ: ۳۱). از همین روست که از منظر آموزه‌های روایی، زندگی پاک و حیات طیبه بشری، حیاتی است که روح قناعت در آن دمیده شده باشد (نک: نهج البلاغه، حکمت ۲۲۱) قناعت، مفاسد ناشی از حرص و آز ثروتمندوزی را می‌کاهد و از زیان‌های اقتصادی جلوگیری می‌کند و مخارج مازاد را در مشارکت‌های اجتماعی - اقتصادی به کار می‌بندد.

با وجود این، قناعت با اصل اعتدال ناسازگار نیست؛ زیرا قناعت آن است که در محدوده اعتدال، به مصرف کمتر بسنده شود و افراط و تفریطی رخ ندهد.

۶. اصل الگوبپذیری از بیگانگان

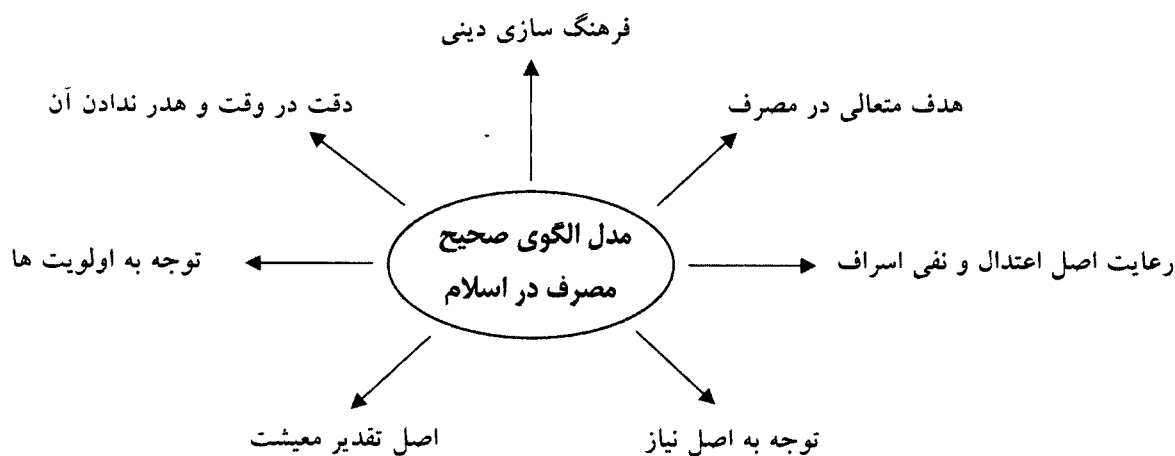
از اصول تأکید شده مصرف در آموزه‌های دینی، پرهیز از الگو قرار دادن بیگانگان و به ویژه دشمنان جامعه اسلامی در مصرف است. امام باقر(ع) می‌فرماید: «... أوحی الله إلی نبی من الأنبیاء أن قل لقومک: لا یلبسوا لباس أعدائی و لا یطعموا طعام أعدائی و لا یشاکلوا بمشاکل أعدائی، فیکونوا أعدائی کما هم أعدائی»؛ (طوسی: ۱۷۲).

خداوند به پیامبری از پیامبرانش وحی فرمود که به قومت بگو: «لباس دشمنان مرا نپوشند و غذای آنان را نخورند و به شکل آنان ظاهر نشوند که در این صورت، بسان آنان دشمن من خواهند بود».

الگوبپذیری از بیگانگان در نوع و مقدار کالاها مصرفی، از جنبه‌های گوناگون به جامعه اسلامی زیان می‌رساند؛ از جنبه اقتصادی، و از جنبه اجتماعی و فرهنگی نیز نوعی تبلیغ عملی و ترویج فرهنگ بیگانه و تهدیدی برای اصالت‌های فرهنگی و حتی دینی در جامعه به شمار می‌رود.

۷. اصل انفاق مازاد در آمد

انفاق مازاد درآمد در راه خدا، یکی از اصول و ارزش‌های اسلامی حاکم بر مصرف است. نتیجه بسیاری از اصول یادشده، زمینه را برای انفاق فراهم می‌سازد. برای نمونه، رعایت حد میانه و پرهیز از زیاده‌روی در مصرف، در کنار روحیه قناعت و



«شکل ۲»

را به زور بخورد، «اسراف» کرده است و اگر آن را دور ریزد، «تبذیر» نموده است. البته این دو در روایات، گاه در یک معنا به کار رفته‌اند (انصاری: ۱۹، نیز کلینی، ج ۴: ۳۱ و نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶).

معیارهای تشخیص اسراف و تبذیر

تشخیص تبذیر با توجه به مفهوم آن دشوار نیست؛ زیرا هر گونه هدر دادن و اتلاف ثروت و کالا، تبذیر به شمار می‌رود، ولی اسراف چنان که گفته شد، به معنای تجاوز از حد و گذر از میانه‌روی به افراط‌گرایی است. حال، پرسش اساسی آن است که «حد» معتبر در اسراف، چگونه و با چه ملاکی تعیین می‌گردد. از مجموع آموزه‌های دینی چنین بر می‌آید که با دو ملاک کلی موضوع و مصداق اسراف را می‌توان شناخت:

الف) ملاک شرعی

از نگاه قرآن و روایات، تمام واجبات و محرمات دینی، حدود الهی است و هر گونه تغییر در احکام یا عمل نکردن به آن، خروج از حد است و ممنوع می‌باشد (بقره/۱۸۷ و ۲۲۹ و ۲۳۰، نساء/۱۳، توبه/۹۷ و کلینی، ج ۱: ۵۹ و ۴۹۸)؛ بنابراین ترک واجبات، گناهکاری و تغییر در احکام الهی، از مصداق اسراف به شمار می‌رود.

کاربرد قرآنی این واژه در معنای یادشده، بسیار فراوان است. برای نمونه آیات زیر را به یاد می‌آوریم:

فارس، ج ۶: ۱۵۳ و ابن منظور، ج ۹: ۱۴۸) است. در قرآن کریم نیز «سَرْف» تجاوز از حد در هر کاری است که آدمی انجام می‌دهد، گرچه [کاربرد آن] در انفاق [و خرج کردن مال] مشهورتر است (راغب اصفهانی: ۴۰۷). راغب اصفهانی، اسراف را از حیث کمی و کیفی تقسیم می‌کند و اسراف کیفی را هر گونه صرف مال در نافرمانی خداوند می‌داند، هر چند مقدار آن اندک باشد (همان). با وجود این، می‌توان گفت که هزینه کردن یا بهره‌برداری از مال در راه معصیت که برخی آن را معنای دومی برای اسراف در قرآن دانسته‌اند (ابن منظور، ج ۹: ۱۴۸ و طریحی، ج ۵: ۶۹)، در واقع بازگشت به معنای نخستین دارد.

واژه «تبذیر» نیز در اصل به معنای «پراکنده ساختن و جدا کردن چیزی» است که از «پاشیدن بذر در زمین» گرفته شده است (ابن فارس، ج ۱: ۲۱۶ و راغب اصفهانی: ۱۱۳) و سپس به معنای نابود کردن و هدر دادن مال (ابن منظور، ج ۴: ۵۰ و راغب اصفهانی: ۱۱۴) و به تعبیر عامیانه، «ریخت و پاش» به کار رفته است.

بر این اساس، اسراف با تبذیر معنای نزدیکی دارد؛ با این تفاوت که اسراف بیشتر در زیاده روی در مصرف به کار می‌رود و حتی ممکن است در ظاهر، چیزی هدر نشود، ولی تبذیر، هدر دادن مال و اتلاف آن می‌باشد و کاربرد آن، هنگامی است که امکانات، بیهوده نابود گردد. برای نمونه؛ اگر کسی هنگام صرف غذا و پس از آنکه به مقدار کافی غذا میل کرده، باقی مانده آن

هزینه می‌نماید.»

باری! فقیر ممکن است کالایی را بخرد که با توجه به درآمد محدودش، تعادل میان دخل و خرج وی بر هم خورد و در نگاه عرف، چنین کاری اسراف باشد، در حالی که برای توانگر، خرید همان کالا، انتقاد عرف را بر نمی‌انگیزد.

اینک معیارهایی را که برای تشخیص عرفی اسراف ارائه گردیده است، بررسی می‌کنیم:

معیار اول: هدر دادن منابع و امکانات. هرگاه مصرف کالا به گونه‌ای باشد که بخشی از آن هر چند اندک بیهوده تزیین شود، اسراف خواهد بود (نراقی: ۲۲۲)، چنان که امام صادق (ع) می‌فرماید:

«إِنَّ الْقَصْدَ أَمْرٌ يَحْتَبُهُ لَهُ عَزَّوَجَلَّ وَإِنَّ الْإِسْرَافَ أَمْرٌ يَبْغِضُهُ اللَّهُ حَتَّىٰ طَرَحَكَ النَّوَىٰ، فَإِنَّهَا تَصْلِحُ لَشَيْءٍ وَ حَتَّىٰ صَبَّكَ فَضْلُ شَرَابِكَ» (کلینی، ج ۴: ۵۲).

«میان‌روی چیزی است که خدای بزرگ و والا آن را دوست دارد و اسراف را ناخوش، حتی دور انداختن هستهٔ آخرما و میوه؛ زیرا آن نیز به کاری می‌آید و حتی دور ریختن مانده نوشیدنی‌ات را.»

معیار دوم: زیانبار بودن. هرگاه مصرف کمی یا کیفی کالا برای بدن زیانبار باشد، گونه‌ای از اسراف است. (طبرسی، ج ۴-۳: ۶۳۸) چنان که این مهم، از سخن امام صادق (ع) به روشنی بر می‌آید:

«لَيْسَ فِيمَا أَصْلَحَ الْبَدَنَ إِسْرَافٌ... إِنَّمَا الْإِسْرَافُ فِيمَا أَفْسَدَ الْمَالَ وَ أَضَرَ بِالْبَدَنِ» (کلینی، ج ۴: ۵۳).

«در [مصرف] آنچه بدن را سالم نگاه می‌دارد اسراف نیست... بلکه اسراف در چیزی است که مال را تباه سازد و به بدن زیان رساند.»

معیار سوم: مصرف بیش از حد نیاز. استفاده از امکانات مادی بیش از حد نیاز، یکی از معیارهای اسراف است. بحث نیازهای انسان و گسترهٔ آن در ادامه خواهد آمد، اما آنچه در اینجا مراد ماست تصرفاتی است که گاه در امکانات مادی صورت می‌گیرد بی‌آنکه نیازی به آن باشد، مانند خوردن بیش از اندازهٔ نیاز یا ساختن منزلی بسیار وسیع که به همهٔ آن هیچ گونه نیازی نیست.

از این رو، روایات فراوانی در نکوهش زیاده‌روی در خوراک،

«رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَ إِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا...» (آل عمران/۱۴۷) «پروردگارا، گناهان ما و زیاده‌روی ما در کارمان را بر ما ببخش.»
«قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ» (زمر/۵۳) «بگو: ای بندگان من که بر خویش‌تان زیاده‌روی روا داشته‌اید، از رحمت خدا نومید مشوید.»

«وَ مَنْ قَتَلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيهِ سُلْطَانًا فَلْيُاسْرِفْ فِي الْقَتْلِ» (اسراء/۳۳) «و هر کس مظلوم کشته شود، به سرپرست وی قدرتی داده‌ایم، پس [او] نباید در قتل، زیاده‌روی کند.»

اسراف در قتل یعنی قصاص فرد یا افرادی غیر از قاتل، (طبرسی، ج ۶-۵: ۶۳۷ و طباطبایی، ج ۱۳: ۸۸) که خود، تجاوز از حد الهی قصاص است. بنابراین، مصرف هر گونه کالایی که حرمت شرعی دارد، نوعی اسراف است و از همین رو، برخی مفتسران، «لاتسرفوا» را به مصرف مال حرام هر چند به مقدار اندک، تفسیر کرده‌اند (اعراف/۳۱ و نیز طبرسی، ج ۴-۳: ۶۳۸) که البته تفسیر به مصداق به شمار می‌رود.

ب) ملاک عرفی

ملاک دیگر در موضوع‌شناسی اسراف، عرف می‌باشد. تشخیص موضوعات احکام، بیشتر بر عهدهٔ عرف و مکلف نهاده شده است و در عین حال برای ضابطه‌مند کردن تشخیص عرفی، معیارهایی ارائه شده است.

پیش از بررسی معیارهای یادشده، شایان ذکر است که بر اساس پاره‌ای روایات، اسراف در امور مالی (به مفهوم تجاوز از حد وسط)، امری نسبی شمرده شده است که نسبت به افراد و شرایط اقتصادی آنان، زمان ها و مکان ها، تغییر می‌یابد. به دیگر سخن، مصرف مقدار مشخصی از یک کالا ممکن است برای فردی اسراف به شمار آید و برای دیگری میان‌روی. شاید روایتی که در پی می‌آید ناظر به همین نکته باشد. امام صادق (ع) می‌فرماید:

«فَإِنَّهُ رَبُّ فَقِيرٍ أَسْرَفُ مِنْ غَنَىٰ، فَقُلْتُ: كَيْفَ يَكُونُ الْفَقِيرُ أَسْرَفَ مِنَ الْغَنَىٰ؟ فَقَالَ: إِنَّ الْغَنَىٰ يَنْفَقُ مِمَّا أُوتِيَ وَ الْفَقِيرُ يَنْفَقُ مِنْ غَيْرِ مَا أُوتِيَ» (کلینی، ج ۴: ۵۳).

«چه بسا فقیری که اسراف کارتر از ثروتمند باشد. [راوی گوید:] گفتم: چگونه فقیر، اسراف کارتر از غنی است؟ فرمود: زیرا توانگر از آنچه دارد خرج می‌کند، ولی فقیر بدون دارا بودن مالش

و پیامدهای بی‌شمار اسراف است که بعد از این خواهد آمد.

گستره اسراف و تبذیر

بر اساس مفهوم لغوی و کاربرد قرآنی حدیثی اسراف و تبذیر، گستره آن دو بسیار فراگیر است و در عرصه اقتصادی، تمامی امکانات مادی و کالاهای مصرفی را در بر می‌گیرد. در این میان، اسراف و تبذیر آن دسته کالاهای اساسی و نیازمندی‌های عمومی - به دلیل اهمیت یا بی‌توجهی عمومی به آن - به طور خاص در متون دینی نهی و نکوهش شده است.

با توجه به اهمیت فراوان این مسأله و نقش آن در تعیین الگوی مصرف، مصادیق مهم آن را بررسی می‌کنیم:

۱. اسراف در آب

اهمیت حیاتی آب که منشأ زندگی و بقاست، (انبیاء/۳۰) بر کسی پوشیده نیست. امام صادق (ع) در تشبیهی زیبا می‌فرماید: «طعم الماء طعم الحیاة»؛ (حرّ عاملی، ج ۱۱: ۴۶۰) «مزه آب، مزه زندگی است».

از این رو، زیاده‌روی در مصرف آب و به ویژه هدر دادن آن هرچند به مقدار اندک نکوهش شده است. نیز امام صادق (ع) می‌فرماید: «أدنی الإسراف هراقه فضل الماء..»؛ (همان) کمترین حد اسراف، دور ریختن ته مانده آب [ظرف] است.

۲. اسراف در خوردنی‌ها و سایر آشامیدنی‌ها

در آیات قرآن، با اشاره به حق آدمی در استفاده از غذا و آب، بر این نکته تأکید شده است که در این امر، اسراف و زیاده‌روی نشود: «و کُلُوا و اشْرَبُوا و لا تُسْرِفُوا» (اعراف/۳۱).

نهی از اسراف در این آیه به مفهوم گسترده‌اش شامل هر گونه زیاده‌روی در مصرف، پرخوری و هدر دادن مواد غذایی می‌شود (طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۴: ۳۸۶ و رشید رضا، ج ۴: ۳۸۴-۵). در روایات نیز پرخوری و اسراف در خوردن، در پیشگاه پروردگار نکوهیده است (حرّ عاملی، ج ۱۶: ۴۹۸) و رحمت الهی را از آدمی دور می‌سازد (حرّانی: ۳۷).

در رویکردی جامعه‌شناختی نیز اسراف جامعه، به معنای نادیده انگاشتن حق نیازمندان و تنگدستان است (کلینی، ج ۶: ۲۹۷).

وسایل زندگی و مسکن نقل شده است؛ همچنان که مفسران نیز یکی از مصادیق بارز اسراف در آیه «...و کُلُوا و اشْرَبُوا و لا تُسْرِفُوا..» (اعراف ۲۱) را مصرف بیش از حد نیاز دانسته‌اند (طبرسی، ج ۴-۳: ۶۳۸)؛ این سخن امیرمؤمنان (ع) نیز ناظر به همین معیار است:

«ما فوق الکفاف إسراف» (آمدی: ۳۵۹)

«بیش از اندازه کفاف، اسراف است».

معیار چهارم: مصرف فراتر از شأن. مصرف کالاها و تصرف در امکانات مادی که بیش از شأن افراد است، اسراف می‌باشد (نراقی: ۲۲۲ و رشید رضا، ج ۸: ۳۸۵)؛ با این همه، برخی فرهنگ‌نویسان که با توجه به آموزه‌های قرآنی و روایی قلم زده‌اند، حدیث زیر را ناظر به همین معنا می‌دانند. امام علی (ع) می‌فرماید:

«للمسرف ثلاث علامات. يأکل ما لیس له و یشتري ما لیس له و یلبس ما لیس له» (طریحی، ج ۵: ۶۹ و صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳: ۱۶۷).

«اسراف کار سه نشانه دارد: آنچه مال او نیست می‌خورد و آنچه مال او نیست می‌پوشد».

گناه سنگین اسراف و تبذیر

نگاهی به آموزه‌های دینی درباره اسراف و تبذیر، تردیدی در حرمت آن باقی نمی‌گذارد. هرچند برخی آیات و روایات که اسراف را نهی و نکوهش کرده، عام و مطلق است، ولی بی‌تردید، اسراف مالی از مصادیق بارز آن به شمار می‌رود: «و کُلُوا و اشْرَبُوا و لا تُسْرِفُوا إِنَّه لا یحبُّ المُسْرِفین» (اعراف/۳۱) «بخورید و بیاشامید و آلی اسراف نکنید که او اسراف کاران را دوست ندارد».

«وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ» (مؤمن/۴۳ و اسراء/۲۶ و ۲۷ و مؤمن/۲۸ و ۳۴) «و اسراف کاران، همدمان آتشند».

«و لا تُبَدِّرْ تُبَدِّرًا، إِنَّ الْمُبَدِّرِينَ کَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَ کَانَ الشَّيْطَانُ لِزَبْئِهِ کَفُورًا» (اسراء/۲۶ و ۲۷) «و هرگز اسراف و تبذیر مکن، چرا که تبذیر کنندگان، برادران شیاطینند و شیطان در برابر پروردگارش بسیار ناسپاس بود».

روایات نیز اسراف و تبذیر را از گناهان کبیره دانسته‌اند (حرّ عاملی، ج ۱: ۲۶۰-۲۶۲) که علت این حکم، وجود آثار نامطلوب

۳. اسراف در لباس

بودن مقدار آن سفارش بسیار شده است (کلینی، ج ۵: ۳۲۴)؛ به ویژه تأکید می‌شود که از مهر السنه پیامبر اکرم (ص) (یعنی مقدار پانصد درهم یا پنجاه دینار (فتح الله: ۱۹۴: ۳۶۸) که برای همسران و دختران خود قرار می‌داد) فراتر نرود (حرّ عاملی، ج ۱۵: ۵-۱۲ و کلینی، ج ۵: ۸-۳۷۷).

امیر مؤمنان (ع) می‌فرماید: «لا تغالوا بمهور النساء فتكون عداوه (حرّ عاملی، ج ۱۵: ۱۱)» «مهریه‌های زنان را بالا نگیرید که موجب دشمنی می‌گردد».

دوم: زیاده روی در تهیه لوازم زندگی (جهیزیه) و به ویژه مطالبه کالاهای لوکس و تجملاتی یا وسایلی که در درجه نخست از اهمیت قرار نمی‌گیرند و از جمله افراط در مطالبه یا خرید زیور آلات که بیشتر ناشی از حس هم چشمی و رقابت یا خود نمایی و فخر فروشی است. چنان که گاه عروس و داماد، وضعیت خود را با شرایط فعلی زندگی پدر و مادر خود مقایسه می‌کنند و تمام امکانات موجود آنان را خواستارند.

۶. اسراف در حامل های انرژی

امام کاظم (ع) به نقل از حضرت علی (ع) می‌فرماید: «خمس تذهب ضیاعاً: سراج تقده فی الشمس... و الضوء لا ینتفع به» (طوسی، الامالی: ۲۸۵).

پنج چیز ضایع می‌گردد: «چراغی که آن را در [نور] خورشید برافروزی... و نوری که از آن استفاده نشود».

این گونه روایات در واقع معیارهای اسراف را بر استفاده نا به جا از نور و چراغ تطبیق داده است و بدین سان، هرگونه مصرف نادرست از انرژی و یا هدر دادن آن - که چراغ و نور هم نمونه ای از آن است - اسراف به شمار می‌آید.

۷. اسراف در اموال عمومی و بیت المال

از بدترین انواع اسراف، تضییع اموال عمومی و هدر دادن سرمایه های متعلق به بیت المال است؛ زیرا علاوه بر گناه اسراف و پی آمدهای اقتصادی منفی آن، تضییع حقوق همه مردم بوده و آدمی را مدیون همه افراد جامعه خواهد کرد. روشن است که حفظ و پاسداری از بیت المال، هم وظیفه مسئولان دستگاه های حکومتی، مدیران و کارمندان است و هم بر عهده عموم مردم.

لباس، وسیله حفظ و مایه زینت و آراستگی آدمی است (اعراف/۲۶). با این حال، در آموزه های دینی بر میانه روی در استفاده از آن تأکید و تجاوز از آن، اسراف دانسته شده است (عیاشی، ج ۲: ۱۳).

تردید نیست که حس تنوع طلبی و تمایل به شیک پوشی، آراستگی ظاهری و زیبایی، از امور غریزی آدمی است و در آموزه های اسلامی نیز مورد تأیید بلکه تشویق قرار گرفته است. برای نمونه امام صادق (ع) فرمودند: «بر تو باد که خویشتن را به بهترین شکل بیارایی...» (کلینی، ج ۶: ۴۴).

۴. اسراف در وسایل نقلیه

مرکب و وسیله نقلیه نیز ممکن است از نظر کمیت و کیفیت مصداقی برای اسراف باشد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «... و یرکبوا قصدا... اتری الله ائتمن رجلاً علی مال خول له ان یشتری فرسا بعشرة الاف درهم و یجزیه فرس بعشرین درهما... و قال فَلَنْقُصَنَّ عَلَیْهِمْ بِعِلْمٍ وَ مَا کُنَّا غَائِبِیْنَ (اعراف/۳۱)»، (عیاشی، ج ۲: ۱۳)

«و خداوند تجویز نمود که مردم [در حد میانه، از مرکب استفاده کنند... آیا چنین می‌پنداری که خداوند، مالی را نزد مردی امانت می‌نهد و آنگاه به وی اجازه می‌دهد تا اسبی به ده هزار درهم بخرد، در حالی که اسبی به بیست درهم او را کافی است... [مگر نه آن است که خود] فرمود: «اسراف مکنید که او اسراف کاران را دوست ندارد».

۵. اسراف در هزینه های ازدواج

روایات، ازدواج و پیوند زناشویی را امری الهی دانسته اند که تعادل و میانه روی در آن سفارش شده و تجاوز از آن حرام گشته است (همان).

حرمت اسراف، تمام هزینه های بیهوده ازدواج را در بر می‌گیرد. اسراف در هزینه های ازدواج دارای ابعاد گوناگونی است. نخست: سنگین گرفتن مهریه‌ها و از حد گذشتن در این باره مقدار مهریه با اینکه طبق ظاهر برخلاف ظاهر برخی آیات (نساء/۲۰ و قصص/۲۷-۲۸)، و نظر مشهور فقیهان (حلی: ۱۲۹ و نجفی، ج ۳۱: ۴۷) در افزایش آن محدودیتی نیست، ولی کم

امیرالمؤمنان (ع) خطاب به کارگزاران خویش فرمود: «ادقوا اقلامکم و قاربوا بین سطور کم و اخذقوا عنی فضولکم و اقصدا قصد المعانی و ایاکم و الاکثار فان اموال المسلمین لا تحتمل الاضرار» (همو، خصال: ۳۱).

«نوک قلم هایتان را ریز کنید، سطرها را به هم نزدیک سازید، کلمات زائد را [در نوشتن گزارش] برای من حذف کنید و مفهوم اصلی را بیان نمایید، از زیاد نوشتن بپرهیزید؛ چرا که اموال مسلمانان یارای ضرر ندارد».

اگر به فرموده امام (ع) اموال بیت المال، یارای تحمل زبانی در حد درشت نویسی و زیاد نویسی گزارشات و محاسبات را ندارد، در موارد مشابه و اموال و سرمایه های فزون تر، دقت و سخت گیری فراوانی باید صورت گیرد.

نتیجه گیری

از آنچه بیان شد استفاده می شود که اسلام به مصرف و شیوه آن توجه خاصی داشته و خود الگویی متناسب با تعالیمش ارائه نموده است. بنابراین از منظر قرآن و سیره معصومین (ع) مصرف و الگوی آن اهمیت ویژه‌ای دارد. اولویت بندی در موارد مصرفی باید رعایت گردد. ابتدا باید در این خصوص فرهنگ سازی شده و الگوی صحیح مصرف به یک فرهنگ ارزشی تبدیل گردد. رعایت زمان و مدیریت صحیح آن و دقت در از دست رفتن عمر از مهم ترین موارد الگوی صحیح مصرف است. رعایت اصل اعتدال در همه امور از مسائلی است که اسلام در شیوه مصرف و الگو و مدل آن مطرح نموده و به آن توجه شده است.

اسراف و تبذیر در امر مصرف باید به شدت کنترل شده و از آن پرهیز گردد. در همه زمینه‌های زندگی باید مصرف بر اساس نفی اسراف و تبذیر باشد تا مورد تأیید اسلام بوده باشد. همچنین در مدل الگوی مصرف از دیدگاه اسلام هدف اقتصادی نیست بلکه انسانی و الهی است که باید به آن اهتمام و توجه کافی داشت.

منابع:

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، ترجمه و شرح سید علی نقی فیض الاسلام.
- امّدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی، (۱۳۶۶)، غرر الحکم و دُرر الکلم، چاپ اول، قم؛ دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

- ابن حنبل، احمد، مسند احمد، بیروت، دار صادر، بی تا.
- ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، بیروت، دار صادر، بی تا.
- ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ ق.)، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور مصری، جمال الدین محمد بن مکرم، (۱۴۱۰ ق.)، لسان العرب، چاپ اول، بیروت، دارالفکر.
- الامام الرضاع (ع)، (۱۴۰۶ ق.)، الفقه، تحقیق مؤسسه آل البیت، چاپ اول، مشهد، کنگره جهانی امام رضا (ع).
- انصاری، محمد علی، (۱۱۴۲ ق.)، درسه حول الاسراف فی الكتاب و السنه، چاپ اول، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- براون، لستر و همکاران، (۱۳۷۴ ش.)، علایم حیاتی کره زمین، ترجمه حمید طراوتی، چاپ اول، مشهد: جهاد دانشگاهی.
- التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد حبیب قصیر عاملی، چاپ اول، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، بی تا.
- تمیمی، نعمان بن محمد، (۱۳۸۵ ق.)، دعائم الاسلام، چاپ دوم، مصر، دارالمعارف.
- حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۳ ق.)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تصحیح و تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی، چاپ ششم، تهران: المکتبه الاسلامیه.
- حرّانی، حسن بن علی بن شعبه، (۱۳۹۸ ق.)، تحف العقول عن آل الرسول (ص)، ترجمه کمره ای، تهران: کتاب فروشی اسلامیة.
- حسینی زبیدی، سید محمد مرتضی، (۱۴۰۹ ق.)، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق مصطفی حجازی، دار الهدایه.
- حسینی، سید رضا، (۱۳۷۹)، الگوی تخصیص درآمد و نظریه رفتار مصرف کننده مسلمان، چاپ اول، تهران، مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حق پناه، رضا، پیامدهای اثرات، اندیشه حوزه، شماره ۶، سال ۵.
- حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۱۵ ق.)، مختلف الشیعه، چاپ اول، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- در نینگ، آن، (۱۳۷۶)، چقدر کافیست؟ ترجمه عبدالحسین وهاب زاده، چاپ دوم، مشهد: جهاد دانشگاهی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۶ ق.)، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، چاپ اول، دمشق، دارالقلم و بیروت، الدار الشامیه.
- رجایی، سید محمد کاظم، (۱۳۸۲)، معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن، چاپ اول، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- رشید رضا، محمد، (۱۴۱۴ ق.)، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، چاپ اول، بیروت، دارالمعرفه.
- سید قطب، (۱۳۸۶ ق.)، فی ظلال القرآن، چاپ پنجم، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- شومیتز، جوزف آ، (۱۳۷۵)، تاریخ تحلیل اقتصادی، ترجمه فریدون فاطمی، چاپ اول، تهران: مرکز.
- صدوق، محمد بن علی بابویه، (۱۴۰۳ ق.)، الخصال، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۳۶۸)، ثواب الاعمال، چاپ دوم، قم: منشورات الرضی.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه، (۱۴۱۳ ق.)، من لایحضره الفقیه، چاپ سوم، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ ق.)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ اول،

- ماهنامه مهندسی فرهنگی، نشریه تخصصی شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۸، سال سوم، شماره ۲۷ و ۲۸ فروردین و اردیبهشت، مصاحبه با آقای دکتر محمد رضا مخبر دزفولی.

- متقی هندی، علاءالدین علی، (۱۴۰۹ق). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تحقیق بکری حیانی و صفوه السقاء، بیروت: مؤسسه الرساله.

- مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ق). بحار الانوار الجامعه لدرر الاثمه الاطهار، چاپ سوم، بیروت: مؤسسه الوفاء.

- مریدی، سیاوش و علیرضا نوروزی، (۱۳۷۳). فرهنگ اقتصادی، چاپ اول، تهران: مؤسسه کتاب پیشبرد و انتشارات نگاه.

- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۳). انسان کامل، چاپ دهم، تهران: صدرا.

- میرمعزی، حسین، (۱۳۷۸). نظام اقتصادی اسلام (اهداف و انگیزه ها)، چاپ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

- نجفی، محمد حسن، (۱۳۶۷). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تحقیق عباس قوچانی، چاپ سوم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- نراقی، محمد مهدی، (۱۴۰۸ق). عوائد الايام، قم: مکتبه بصیرتی.

بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۰۶ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت: دارالمعرفه.

- طریحی، فخر الدین، فخرالبحرین، تحقیق سید احمد حسینی، المکتبه المرتضویه، بی تا.

- طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ق). الامالی، چاپ اول، قم: دارالثقافه.

- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، (۱۳۶۵). چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- طوسی، محمد بن حنفی التبیان فی تفسیر القرآن، تحقیق احمد حبیب قصیر عاملی، چاپ اول، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، بی تا.

- عبدالرضا علی، صادق، (۱۴۱۱ق). القرآن و الطب الحدیث، چاپ اول، بیروت: دارالمؤرخ العربی.

- عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰). تفسیر العیاشی، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: چاپخانه علمیه.

- فتح الله، احمد، (۱۴۱۵ق). معجم الفاظ الفقه الجعفری، چاپ اول، بی تا.

- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵). الکافی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

- ماهنامه آموزشی و اطلاع رسانی معارف، (۱۳۸۸)، شماره ۶۵ فروردین و اردیبهشت، مصاحبه با آقای دکتر حسین خنیفر.

